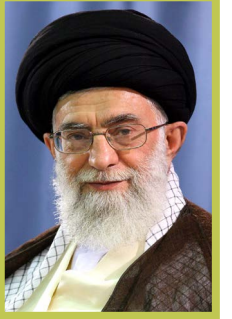


«وجود جوانان، وجود شما عزیزان برای کشور یک نعمت است؛ در صراط مستقیم خودتان را حفظ کنید، نگه دارید. این کشور به شما احتیاج دارد؛ به معنای واقعی کلمه احتیاج دارد. باید شما بسازید این کشور را؛ شما باید پیش ببرید این کشور را؛ نسل جوان باید این کار را بکند.»
بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۸/۸/۱۲



پیام رهبر انقلاب اسلامی در پی شهادت سردار بزرگ و پرافتخار حاج قاسم سلیمانی و همراهان او:



شهادت، پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود.

فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ تر خواهد کرد. ملت ایران یاد و نام شهید عالی مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او به ویژه مجاهد بزرگ جهان اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می کنم و به همسر گرمای و فرزندان عزیز و دیگر بستگان ایشان تبریک و تسلیت می گویم.

سیدعلی خامنه ای
۱۳ دی ماه ۱۳۹۸

می کنم. او نمونه برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود. با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره بین المللی مقاومت است و همه دلبرستانان مقاومت خواهند بود. همه دوستان - و نیز همه دشمنان - بدانند خط جهاد و مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام مهمی شهادت سردار بزرگ و پرافتخار اسلام سپهبد حاج قاسم سلیمانی و همراهان ایشان به ویژه مجاهد بزرگ ابومهدی المهندس را تبریک و تسلیت گفتند و با تأکید بر اینکه انتقام سختی در انتظار جنایتکاران خواهد بود، خاطر نشان کردند: خط جهاد و مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت، همه دلبرستانان مقاومت خونخواه شهید سلیمانی هستند و ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ تر خواهد کرد.

متن پیام حضرت آیت الله خامنه ای به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران! سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد. دیشب ارواح طیبه شهیدان، روح مطهر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم، و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض

طرح بنزین دولت، چالش هاو راهکارها

صفحه ۳



پرندگان مهاجر

صفحه ۴



مصاحبه با دانشجوی فعال اجتماعی

صفحه ۶



بیماری دیابت

صفحه ۸



تحریم علیه محیط زیست

صفحه ۸



خودنویس

صفحه ۹



آموزش کار آفرینی

صفحه ۱۰



ردخون بردستان جلادان

صفحه ۱۱



زیر ذره بین

صفحه ۱۲



تودیع و معارفه رئیس دفتر نهاد معظم رهبری

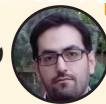
در تربیت مدرس



آئین تودیع و معارفه مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس با حضور رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، رئیس دانشگاه تربیت مدرس، اعضای هیئت رئیسه دانشگاه، جمعی از مسئولین نهاد مرکز و مسئولین تشکل های دانشگاه در محل سالن جلسات شورای دانشگاه برگزار شد و حجه الاسلام والمسلمین دکتر ساداتی نژاد به عنوان مسئول جدید دفتر نهاد در دانشگاه تربیت مدرس معرفی شدند. رئیس دانشگاه تربیت مدرس در آئین تودیع و معارفه مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در

ادامه در صفحه ۲

سخن سردبیر



افول جنبش دانشجویی

برخی از اولویت های جنبش دانشجویی در تاریخ آمریکا عبارتند از مخالفت با جنگ ویتنام، مبارزه با نژادپرستی و تفکیک مراکز آموزشی سفیدپوستان و سیاه پوستان توسط دولت، مبارزه با شیوه های استاندارد آموزش و آزمون های تحصیلی، واکنش به سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا، جنبش مبارزه با گرم شدن زمین و مسائلی در این سطح که راهبردها و سیاست های کلی یک حکومت را مورد نقد و کنکاش قرار می دهند. این سطح از مطالبات در جریان فعالیت های جنبش های دانشجویی سایر کشورها نیز در طول قرن بیستم بوده است.

جنبش دانشجویی ایران نیز هم زمان با اوج حقارت و وابستگی دولت به استعمار، با روحیه انقلابی، مجاهدانه و ایدئولوگ به پختگی رسید.

ادامه در صفحه ۳



تجمع دانشگاهیان تربیت مدرس به مناسبت سالروز حماسه ۹ دی



به مناسبت سالروز حماسه ۹ دی، دانشگاهیان تربیت مدرس پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در کنار مقبره شهدای گمنام تجمع نمودند.

اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه تربیت مدرس ضمن برگزاری تجمعی باشکوه در کنار مقبره شهدای گمنام، و سر دادن شعارهایی در محکومیت عوامل فتنه ۸۸ و برهم زدنگان نظم و امنیت کشور، سالروز حماسه ۹ دی، روز بصیرت و روز اثبات ولایت‌مداری مردم شریف ایران را گرمی داشته و بر پایبندی خود نسبت به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی و حمایت از رهبری تاکید ورزیدند.

حجت الاسلام دکتر ساداتی نژاد مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس پس از اقامه نماز ظهر در مسجد قدس دانشگاه، طی سخنانی در جمع نمازگزاران، با گرامی‌داشت روز نهم دی ماه، بر اهمیت داشتن بصیرت و نقش آن در دفع فتنه‌ها تاکید نمود.

دکتر احمدی رییس دانشگاه نیز با حضور در این تجمع، ضمن محکومیت و تاکید بر ایستادگی در برابر فتنه و فتنه‌گران، بر لزوم وحدت میان دولت و مردم و نادیده نگرفتن زحمات دولتمردان و خادمان ملت تاکید کرد.

در پایان این مراسم نیز بیانیه‌ای از سوی تشکل‌های بسیجی دانشگاه تربیت مدرس با محوریت فتنه ۸۸ و مسائل روز کشور قرائت گردید.



ادامه از صفحه ۱

و فضل ایشان و هم از راهنمای‌های ایشان و هم از اخلاق حسنه ایشان استفاده بردیم. دکتر احمدی در ادامه بیان داشتند: قطعا ورود آقای ساداتی نژاد موج جدیدی از دانش و فضل و همچنین رایحه دلپذیر انقلاب اسلامی را رگم خواهد زد و حضوری که قطعا ارتقاء سطح دانشگاه را منجر می‌شود. من از هر دو بزرگوار کمال تشکر را دارم. در این سالها از راهنمایی‌های ارزشمند جناب حجت الاسلام و المسلمین فلاح رفیع استفاده کردم تشکر می‌کنم و از جناب حجت الاسلام و المسلمین ساداتی نژاد که این مسئولیت را می‌پذیرند تشکر می‌کنم.

ایشان افزودند: جناب دکتر فلاح رفیع تودیع ندارند چرا که ایشان از اعضای ارزنده هیات علمی فلسفه و کلام هستند که در آن جایگاه سودی که به دانشگاه می‌رسانند بسیار ارزنده هست. از جناب دکتر رستمی که امروز تشریف آوردند بسیار سپاسگذارم و از زمان حضور ایشان در این سمت تحولات زیادی را شاهد هستیم.

حجه الاسلام والمسلمین رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه ها، ضمن غنیمت دانستن فرصت حضور در جمع دانشگاه مولود انقلاب، با نقل روایتی از امیرالمومنین (ع)، مسئولیت را امانت دانسته و شرط پذیرش مسئولیت را در گرو به جا آوردن حق آن بیان نمودند؛ چرا که در قیامت، مسئولیت موجب گرفتاری انسان خواهد بود. ایشان همچنین به برخی از ملاک‌های مسئول اشاره کردند و با اشاره به روایتی دیگر از حضرت زین العابدین (ع) افزودند: کفایت در شرایط سپردن مسئولیت، زمانی بوجود می‌آید که فرد خواسته‌ها و امیال خودش را تابع امر خداموند قرار دهد. ان شاء الله که خداوند ما را موفق بکند که چنین انسانهای در مسیر ما قرار بگیرد که راهنمای ما باشد و هر جا که مسئولیتی به ما سپرده می‌شود برای کسانی که متکفلشان هستیم بتوانیم چنین نقشی را ایفا کنیم.

ایشان با طرح این سوال که انتظارات از این دانشگاه مولود انقلاب چیست، ادامه دادند: انتظار اول این است که دانشگاه بتواند با مسائل کشور درگیر شود و به چیزهای که نیاز است و مبتلا به جامعه است به آن توجه کند و برای آنها راهکار بدهد و هر زمانی ما با یک معضلی ممکن است مواجه بشویم چون جامعه در حال حرکت جامعه است که با مسائل مختلف مواجه می‌شود و اگر جامعه ای داشتیم که مساله ای برایش پیش نیامد یعنی آن جامعه بی تحرک است و مرده است، دانشگاه کانونی است که با این مسائل درگیر می‌شود و باید برای آن راهکار بدهد.

دومین انتظار از دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه طراز این است که افرادی را تربیت کند که در ردیف طراز نیازهای جامعه هستند و مفهوم تربیت عامتر از آموزش است، برخی ها اصرار دارند که دانشگاه را محل آموزش و دانش بنامند در حالی که دانشگاه محل تربیتی است که بخشی از این تربیت آموزش است و بخشی از آن تربیت مهارت‌های پژوهشی است و بخشی از این تربیت به این بر می‌گردد که این فرد در زندگی آینده خودش برای خودش و دیگران چه فردی باشد، شخصیت مومن، شجاع، فرهیخته و علم دوست و علاقه مند به کشور خودش و علاقه مند به پیشرفت و دور از ناامیدی و سستی، محصول چنین دانشگاهی باید باشد.

و سومین ویژگی که ما از دانشگاه مطلوب و طراز و دانشگاه تربیت مدرس مورد انتظارمان باید باشد این است که بگوییم تحول در خود دانشگاه و صبرورثت باید در این مسیر اتفاق بیفتد و اکتفا به آنچه دیگران یا خود ما کشف کرده ایم نکنیم و در اینجا پیروی کردن، آفت



می‌شود و پیشروی، ضرورت می‌یابد، دانشگاه پیرو، دانشگاه نیست و شما که تحصیلات تکمیلی هستید این را به خوبی درک می‌کنید و خروجی یک استاد خوب دانشجویی است که توانایی پژوهش و انتقال مفاهیم و کشف مجهولات را داشته باشد.

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها با اشاره به شرایط کشور، به نقش دانشگاه در حل مسایل موجود جامعه تأکید کردند و افزودند: جامعه ما امروزه دچار مشکلات جدی است در این شش هفت ساله ملت ما و نظام ما یک تجربه جدید داشت و در مقابل سوالهای که علت دشمنی ما و غرب چیست یک راهکار جدید پیشنهاد داد، راه کار مذاکره و گفتگو، خب برجام امضا شد و نهادهای متولی و بین المللی پایبندی ایران را تأیید کردند ولی یک شخصی می‌آید که مورد مقبولیت نیز قرار می‌گیرد قواعد را به هم می‌ریزد که به نفع امریکا تمام شود و جالب است شرایط کنونی امریکا از نظر اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم بهترین وضعیت است و اینها اخلاق را کنار می‌گذارد و اروپا هم کاری نکرد تا جای که خود مذاکره کننده‌ها بگویند مقاومت در مقابل امریکا بهتر نتیجه می‌دهد تا همراهی و مذاکره با امریکا.

آمریکایی می‌خواهد این ملت را ستوه در بیاورد و اصلا هدف تحریمها دولت مردان نیستند گاهی اوقات برای یک مانوری ممکن است یک اشخاصی را تحریم کنند و بنده هم افتخار دارم که در لیست تحریم ها هستم چون منسوبین مقام معظم رهبری همگی تحریم هستند حال من تحریم بشوم یا خیر، چه اتفاقی می‌افتد و در واقع هدف تحریم ها، تحریم افرادی است که در این جامعه زندگی می‌کنند مثل تحریم در حوزه دارو تحریم در حوزه‌های که به زندگی مردم به صورت مستقیم مربوط می‌شود مثل تحریمهای علمی و دانشگاهی مثل دانشگاه شریف که بعد از برجام هم از تحریم بیرون نیامد چون بنای غرب بر سختتر کردن تحریمهای اقتصادی است

رویکرد بعدی آنها ایجاد ناامنی است، در دو سال اخیر حجم قاچاق سلاح به کشور به طرز معنا داری بالا رفت تمام رصد کنندگان در این فضا بودند که برنامه ای وجود دارد و گرنه اتفاقی نیست، مثلا در بعضی از استانهای ما تا هزار اسلحه غیر قانونی در دست مردم قرار گرفته.

حوزه سوم تشدید فشار برای ناامن کردن جامعه است و تلاش کره اند که امید و باور مردم را به هم بریزند و حجم خبرهای منفی که به سمت مردم هدایت می‌کنند ولی خبرهای مثبت را مخفی می‌کنند در حوزه پزشکی در سال اخیر چه اتفاقات خوبی داشتیم مثلا در حوزه دارو ما جز شش هفت کشور اول دنیا در تولید دانش هستیم و در برخی رشته‌ها مثل نانو جز چهار کشور برتر دنیا در تولید دانش هستیم در کنار اینکه در حال تولید محصول هم هستیم. خدا نکند که یک استاد دانشگاهی در جایی پایش را کج بگذارد و دائما اینرا به تصویر می‌کشند که جامعه شما این است. این موارد همگی به خاطر به ستوه آمدن مردم است و مردم خسته بشوند از مسیری که انتخاب کنند.

اینها مسائلی است که دانشگاه ها به خصوص دانشگاه تربیت مدرس باید به آن توجه کند و انتظار از دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری،

انتظار از خود مقام معظم رهبری در جامعه است که عبارت است از حمایت از تمام گروه‌های که دل در گرو کشور دارند. ما هر دانشجوی طرازی که در حال تلاش است او را انقلابی می‌دانیم و بسیجی می‌دانیم و در خط انقلاب و اسلام می‌دانیم فارغ از اینکه در دیدگاه سیاسی تفاوت‌های دیدگاهی داشته باشد اما این معیار نصاب حرکتی اوست، کسی که اوج مبارزات او، مسخره کردن اعتقادات مردم باشد و با منت رهبری، نجات پیدا کرده باشد این شخص دیگر نمی‌تواند در دانشگاه تربیت مدرس، استاد نصاب باشد.

حجت الاسلام والمسلمین رستمی با بیان ویژگی‌های مثبت مسئول سابق نهاد دانشگاه تربیت مدرس، ادامه دادند: متانت، بردباری، حلم، دانش و فضلی که در وجود ایشان بود باعث شد یک دوره نسبتا طولانی در یکی از دانشگاه‌های مهم کشور حضور داشته باشند و الحمدالله با سربلندی جای خودشان را به مسئول جدید می‌دهند. جناب حجت الاسلام ساداتی نژاد که ایشان هم از افتخارات حوزه و دانشگاه هستند و تجربه خوبی در حوزه نهاد و دانشگاه دارند و پیش از این نیز رئیس مرکز هم اندیشی استادان دانشگاه بودند.

حاج آقای فلاح رفیع علیرغم مشکلات بودجه توفیقات فراوانی داشته‌اند و کارهای خوبی انجام گرفته‌است. ان شاء الله که این مسیر موفقیت را ادامه دهند و از خدا می‌خواهیم نتیجه این حرکات انجام وظیفه‌ای باشد که در قبال دین خدا، اسلام و انقلاب و مردم شریف و نجیب بر گردن ما نهاده شده است.

از خداوند می‌خواهیم بهترین اعمال ما آخرین اعمال ما باشد و بهترین لحظات عمر ما آخرین لحظات عمر ما باشد به برکت صلواتی بر محمد وآل محمد.

پیش از ایشان، حجه الاسلام والمسلمین فلاح رفیع مطالبی را بیان کردند. در ابتدا از اعضای جلسه به جهت تقدیراتی که از ایشان داشتند تشکر نمودند و افزودند: ان شالله که اینطور نیست و همه از لطف و بزرگواری شما بود و ما نباید همچین توصیفاتی را در حق خودمان باور کنیم.

دکتر فلاح رفیع، در ادامه بیان داشتند: حقیقتاً در قریب به ده سالی که در این دانشگاه بودم هیچ روزی مثل امروز آرام و با خیال راحت نبودم. اینکه دیگران به انسان رجوع می‌کنند یک نعمت الهی است اما به واقع از آن طرف چون انسان می‌بیند که نمی‌شود که برخی توقعات را اجرا کرد، سختی‌ها را دوصد چندان می‌کند و از این بابت عرض می‌کنم که از حاج آقای رستمی تشکر می‌کنم که این بار را از روی دوش ما برداشت که سبک بار باشیم.

همچنین از همه عزیزان دانشگاه تربیت مدرس که در این مدت ما را تحمل کردند به ویژه از اعضای محترم شورای دانشگاه و به طور اخص از برادر عزیزم جناب دکتر احمدی و سایر دوستان تشکر می‌کنم.

مسئول سابق نهاد در دانشگاه تربیت مدرس ادامه دادند: به حمد الله و المنه که عزیزی جایگزین ما شده که واقعا نعم البدل هست، جناب دکتر ساداتی نژاد که انسانی عالم، خاضع، متواضع و دانشگاهی و از سلسله جلیله روحانیت و سادات هستند. در انتها، با آرزوی توفیق برای مسئول جدید در پیشبرد امور، سخنانشان را پایان دادند.





طرح بنزین دولت، مشکلات، چالشها و راهکارها

ادامه از صفحه ۱

است در سالهای گذشته زیرساخت لازم برای صادرات این حجم از بنزین بوجود نیامده باشد، لیکن می توان با دعوت از بخش خصوصی و ارائه مشوق های مشخصی، برای صادرات این حجم از بنزین از مرزهای زمینی و دریایی برنامه ریزی نمود.

به عبارتی دیگر، دولت می تواند مشوق هایی را برای صادرات روزانه حدود ۳۰ میلیون لیتر بنزین در نظر بگیرد تا از ظرفیت های بخش خصوصی در این عرصه استفاده کند. در این صورت، دولت می تواند بنزین را به دلار (و یا هر ارز خارجی دیگری) فروخته و بخش قابل توجهی از مشکل ارزی کشور را نیز از این طریق مرتفع نماید. مضافاً می بایست دقت نمود که صادرات روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین، می تواند منجر به درآمد هنگفتی برای کشور گردد. با فرض فروش ۵۰ سنتی هر لیتر بنزین به صادرکنندگان، و با فرض قیمت ۱۲۰۰۰ هزار تومانی دلار، درآمد سالانه دولت از این محل، حدود ۶۸ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

بنابراین بطور خلاصه میتوان گفت که افزایش قیمت بنزین باعث ایجاد مشکلات متعددی شده که در بالا اشاره شده است. لیکن رویکرد درست دولت در صادرات بنزین می تواند فصل جدیدی از صادرات فرآورده های نفتی باشد که همزمان با تحریم های نفتی آمریکا، جایگزین خام فروشی نفت گردد. اگرچه ممکن است که زیرساخت صادرات این حجم از بنزین در دسترس نباشد، لیکن با توجه به عدم امکان ذخیره سازی این حجم از بنزین در طولانی مدت، برنامه ریزی برای صادرات ضروری است. مضافاً این امر موجب درآمد قابل توجهی برای کشور نیز خواهد شد.

۶- عدم جلوگیری از قاچاق بنزین یکی از دلایل افزایش قیمت بنزین، جلوگیری از قاچاق عنوان شده است، لیکن حداقل قیمت هر لیتر بنزین در کشورهای همسایه ۵۰ سنت است که با قیمت فعلی دلار معادل ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ تومان می باشد. بدیهی است قاچاق بنزین هنوز دارای صرفه اقتصادی قابل توجهی است.

۷- افزایش مصرف گاز CNG پس از افزایش قیمت بنزین، دولت اعلام کرده که مصرف بنزین حدود ۲۰ درصد کاهش داشته است. لیکن باید توجه کرد که مصرف گاز CNG نیز حدود ۱۵ درصد افزایش داشته است. بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که بخش قابل توجهی از مصرف بنزین به گاز CNG منتقل شده که مزیتی تلقی نمی گردد. اگرچه می بایست اشاره کرد که افزایش فروش گاز CNG موجب افزایش درآمد دولت نیز شده است. به بیانی دیگر، دولت هم از محل افزایش قیمت بنزین و هم از محل افزایش فروش گاز CNG افزوده شده است.

در بالا به هفت اشکال طرح افزایش قیمت بنزین اشاره شده لیکن اجرای این طرح یک مزیت اصلی داشته که کاهش حدوداً ۲۰ درصدی مصرف بنزین بوده است. اگرچه کاهش مصرف بنزین فواید بسیاری اعم از کاهش آلودگی هوا، کاهش ترافیک و ... دارد، لیکن عدم مدیریت صحیح در این زمینه می تواند به یک چالش و معضل بزرگ تبدیل شود. اما چرا معضل؟!

بر اساس آماري که اخیراً وزارت نفت منتشر کرده میزان مصرف روزانه بنزین به ۷۶ میلیون لیتر نزدیک شده است. این بدان معناست که روزانه حدود ۳۰ میلیون لیتر بنزین مازاد بر مصرف در کشور تولید می شود. نکته اینجاست که امکان ذخیره همچنین حجمی از بنزین برای مدت طولانی وجود نداشته و این امر می تواند به یک معضل بزرگ تبدیل شود.

بهترین راهکار برای جلوگیری از بروز چنین معضلی، در نظر گرفتن تمهیدات لازم جهت صادرات بنزین می باشد. اگرچه ممکن

متوسط ۱۸۴ هزار می باشد. اما یارانه ای که دولت به خانواده ۴ نفری پرداخت می کند ۱۷۲ هزار تومان می باشد. به عبارت ساده تر، ادعای دولت در خصوص کمک به خانواده های مستمند نیز درست نمی باشد. مضافاً باید به این نکته هم توجه کرد که تورمی که در حال حاضر در بازار مشاهده می شود، از ۴ درصد بیشتر بوده است. فلذا اجرای این طرح باعث فشار بیشتر معیشتی به اقشار مستمند شده است.

۴- عدم توجه به استفاده قشر ضعیف جامعه از خودرو و موتور برای کسب درآمد در طول چند سال گذشته اقتصاد کشور دچار رکود بوده است. عدم ایجاد مشاغل جدید و حتی تعطیلی مشاغل موجود، تعطیلی کارخانجات فعال، کم آبی و عوامل دیگری باعث شده که قشر مستمند جامعه به استفاده از خودرو برای کسب درآمد روی آورد. بدیهی است توسعه بازار تاکسی های اینترنتی در طول سالهای گذشته نیز موید این ادعاست. لذا افزایش سه برابری قیمت بنزین باعث تهدید منبع درآمدی اینگونه افراد می گردد. اینکه اغلب اغتشاشات در مناطق کمتر برخوردار و شهرهای حاشیه ای شهرهای بزرگ اتفاق افتاده، موید این نکته است که افزایش قیمت بنزین، نه تنها به قشر نیازمند جامعه کمکی نکرده، بلکه منبع درآمدی ایشان را نیز با تهدید مواجه کرده است.

۵- شرایط اقتصادی نامناسب برای اجرای طرح مرکز آمار ایران نرخ تورم در سال منتهی به مهرماه را ۴۲ درصد اعلام نموده است. بدیهی است با افزایش قیمت بنزین، تورم از ۴۲ درصد هم فراتر خواهد رفت و تاثیر این امر، فشار اقتصادی بیشتر به خانوارهای ضعیف خواهد بود. اگرچه بانک مرکزی اعلام کرده که نرخ تورم ناشی از افزایش قیمت بنزین تنها ۴ درصد خواهد بود، لیکن مشاهده قیمت ها نشان می دهد که دولت در این زمینه نظارت مناسبی نداشته و در یک ماه پس از افزایش قیمت بنزین، تورم ناشی از افزایش قیمت بنزین بسیار فراتر از ۴ درصد بوده است.

دولت در شامگاه ۲۳ آبان و بطور ناگهانی نرخ بنزین سهمیه ای را ۱۵۰۰ و نرخ بنزین آزاد را ۳۰۰۰ تومان اعلام کرد. اجرای این از زوایای مختلفی دارای اشکال بود، لیکن در این یادداشت، صرفاً به مشکلات اقتصادی پرداخته می شود. مشکلات زیر از اهم این مشکلات است:

۱- ناکارآمدی در تخصیص یارانه بنزین به نیازمندان علیرغم اینکه دولت مدعی بود که با اجرای این طرح به دنبال حمایت از اقشار نیازمند است، لیکن در شناسایی افراد نیازمند دچار مشکل بوده است. در واقع بانک اطلاعاتی جامعی که نمایانگر درآمد همه خانوارهای ایرانی باشد، وجود نداشته و لذا اختصاص یارانه مورد نظر، سلیقه ای صورت گرفته است. لذا افراد متعددی به عدم دریافت یارانه معترض بوده اند.

۲- سهمیه به خودرو، به جای سهمیه به افراد بر اساس داده های هزینه های خانوار در سال ۹۵ که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، تنها حدود ۴۳ درصد خانوارهای ایرانی صاحب خودروی بنزین سوز هستند. لذا دولت در طرحی که اجرا کرده به ۵۷ درصد از مردم که عموماً از اقشار مستمندتر جامعه هستند، بنزین سهمیه ای که نوعی یارانه محسوب می شود، پرداخت نکرده است. بر اساس این آمار، دهک دهم هزینه ای حدود ۲۲ برابر دهک اول از یارانه بنزین برخوردار می شود که خلاف عدالت است.

۳- عدم پوشش تورم ناشی از افزایش قیمت بنزین با یارانه پرداخت شده رییس بانک مرکزی ادعا می کند که افزایش بنزین باعث ایجاد ۴ درصد تورم در کشور می شود. از سوی دیگر خط فقر یک خانواده ۴ نفره در سال ۹۸، حدود ۴ میلیون و ششصد هزار تومان اعلام شده است. اگر فرض کنیم که ادعای رییس بانک مرکزی درست بوده و تورم ناشی از افزایش قیمت بنزین تنها ۴ درصد باشد، افزایش هزینه یک خانواده ۴ نفری، بطور

های آن تعریف می شود. آسیب شناسی فعالیت های دانشجویی سال های اخیر نشان می دهد که افول ارزش اولویت ها در سیاست های جنبش های دانشجویی عامل اصلی سقوط جایگاه جنبش دانشجویی بوده است. جنبشی که توانست در برابر دولت آمریکا جریان مقاومت طراحی کند، امروز در مقابل تحریم همه جانبه همان رژیم علیه مردم ایران و اعلام جنگ تمام عیار اقتصادی دچار اشتباه محاسباتی شده و در چهار راه دانشگاه تهران با پلاکارهای آزادی حجاب تجمع می کنند! افول جنبش دانشجویی یعنی آنکه جامعه در معیشت خود متوقف باشند، موج بیکاری اقتصاد را در نوردد؛ مردم هوای تنفس نداشته باشند اما شعاری برای آنها ساخته می شود که بوی ساخت و پاخت می دهد نه روحیه جوانمردی و حق طلبی.



افول جنبش دانشجویی

تطور انجمن اسلامی در طول دوره پیش از انقلاب و در دو دهه نخست انقلاب روندی فعال، محققانه و جهادی داشت. نتیجه این رویکرد فعال نیز اثر گذاری در تصمیمات و سیاست های جامعه و حکومت محسوب می شود. پر واضح است که ارزش و جایگاه یک جنبش و جریان بر اساس نوع اولویت

دانشگاه تهران مراسم بزرگداشتی برگزار شد. جنبش دانشجویی ۱۰ سال پس از شکل گیری انجمن اسلامی در سال ۱۳۳۲ و در جریان دعوت از نیکسون برای آمدن به تهران در راه آرمان استقلال طلبانه ایستاد و سه شهید در کارنامه خود ثبت کرد. مطالعه مطالبات دانشجویی در فرآیند



جنبش های دانشجویی در ایران از سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) با گرایش مارکسیستی فعالیت خود را آغاز کرد و خیلی زود یعنی در سال ۱۳۲۲ جریان انجمن اسلامی دانشجویی نیز در این عرصه اعلام موجودیت کرد و به تدریج گروه ها و نحله های گونه گون در میان عرصه های رقابتی در فضای دانشجویی متولد شدند. فارغ از گرایش ها در سیاست و ورزی جنبش های دانشجویی و پیش از ارزش گذاری بر آن می توان اغلب این گروه ها را در ویژگی فعال بودن و داشتن ضریب نفوذ بالا در میان جامعه مشترک دانست. فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویی روندی را در پیش گرفت که پس از ۳۴ سال از اعلام موجودیت و پس از ۱۴ سال از حادثه خونین ۱۵ خرداد، در خرداد ۵۶ در کوی



احمد فرهنگ

دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
دانشگاه تربیت مدرس

پرنندگان مهاجر

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچکس نبود! راویان اخبار و ناقلان شیرین سخن شکر گفتار نقل کرده اند که روزی روزگاری در کشور گل و بلبل، پرنندگان ساکن در دامنه ی کوه قاف، انجمن کردند تا به فرزندانشان هنر هوانوردی را بیاموزند.

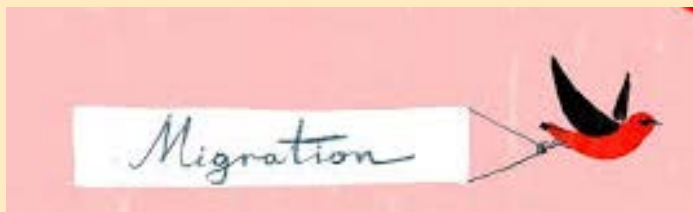
هدهد فرزانه که در میان جمع بود، گفت: وزارت آموزش و پرورش تا کنون چنین رشته ای را در مدارس تحت پوشش خود تأسیس نکرده است. چاره چیست جز آنکه هرکس خود تعلیم و تربیت فرزندان را برعهده گیرد.

سیمرغ که پادشاه پرنندگان بود، لب به سخن باز کرد و گفت: طالبان و جویندگان مدرسه ی هوانوردی چنانچه در راه طلب مقصود جد و جهد نمایند،

می توانند با عبور از هفت وادی خطرناک و فائق آمدن بر مشکلات بسیار، چنین آموزشگاهی را در دامنه های کوه البرز بیابند و یا از مسؤولان پایتخت مجوز راه اندازی این رشته را دریافت نمایند.

به فرمان سیمرغ، هدهد راهنمای پرنندگان شد و جملگی عزم خود را برای سفر جزم کردند و راه سفر در پیش گرفتند. از صبح علی الطلوع تا غروب آفتاب در « وادی طلب» بال و پر زدند تا به یک آموزشگاه دولتی رسیدند. شب را در کلاس های خالی به صبح رساندند.

وقتی خدمتگزار مدرسه دق الباب کرد و قبض کرایه ی منزل را پیش روی آنان قرار داد، دود از کله اشان بلند شد. هدهد گفت: داداش! این آموزشگاه که سرویس دستشویی درستی ندارد؛ رد پای



ضمانت اجرایی قیرگونی پشت بام و آسفالت حیاط همین خرده کمک هاست.

هدهد آهی کشید و کرایه را پرداخت کرد و به اتفاق دیگر پرنندگان وارد اتاق مدیریت شدند و درخواست ثبت نام دادند. مدیر شرح داد که رشته های نظری فراوان است. اما رشته ای به نام هوانوردی وجود ندارد، تنها هنرستان منطقه هم فاقد امکانات آموزشی است. در رشته ی مکانیک اتومبیلی است از عهد بوق که بازیچه ی دست بچه هاست و در رشته ی خیاطی یک دستگاه چرخ دستی که نوجوانان از شنیدن صدای آن لذت می برند. هدهد از شرایط ثبت نام پرسید؛ مدیر گفت: گواهی سکونت محلی، اسناد مثبت و پرداخت هزینه ی

هم از وسایل گرمایشی و سرمایشی نیست. شیشه های پنجره شکسته، شیرآلات آبخوری فرسوده، در و دیوار ترک خورده، زمین چرکین و نمناک و میز و نیمکت هم که از عهد عتیق است، این مبلغ را بابت چه خدماتی دریافت می کنید؟ خدمتگزار پاسخ داد بابت سقفی که بالای سر شماست، آهی در بساط نیست تا با ناله سودا کنیم.

هدهد فرزانه که در میان جمع بود، گفت: وزارت آموزش و پرورش تا کنون چنین رشته ای را در مدارس تحت پوشش خود تأسیس نکرده است. چاره چیست جز آنکه هرکس خود تعلیم و تربیت فرزندان را برعهده گیرد.



مدرسه ای شدند که زرق و برق زیادی داشت، از شهریه ی نجومی آنجا رعشه گرفتند و مثل درخت بید لرزیدند. اعلام شد که رشته ی هوانوردی وجود ندارد، اما امکان تأسیس آن فراهم هست. فقط باید هزینه ی راه اندازی آن پیش پیش پرداخت شود.

هدهد تشکر کرد و با یاران چند بار دور مدرسه چرخیدند و از پنجره به کلاس ها سرک کشیدند. جوجه ها بسیار شیک و تر و تمیز بودند، اما حال درس خواندن نداشتند. بعضی هنوز در لانه ی خود خواب بودند و ناظم مدرسه با تلفن آن ها را از خواب بیدار می کرد. موقع تدریس معلم، بعضی ها مشغول خوردن صبحانه و یا ادامه ی خواب شیرین صبحگاهی بودند. لیست نمرات جوجه ها چه آن هایی که خوابیده بودند و چه آن هایی که حوصله ی درس خواندن نداشتند و تک و توک بچه های درسخوان همه عالی و بیست بود. مشتری مداری به طور کامل در این مدرسه رعایت شده بود!

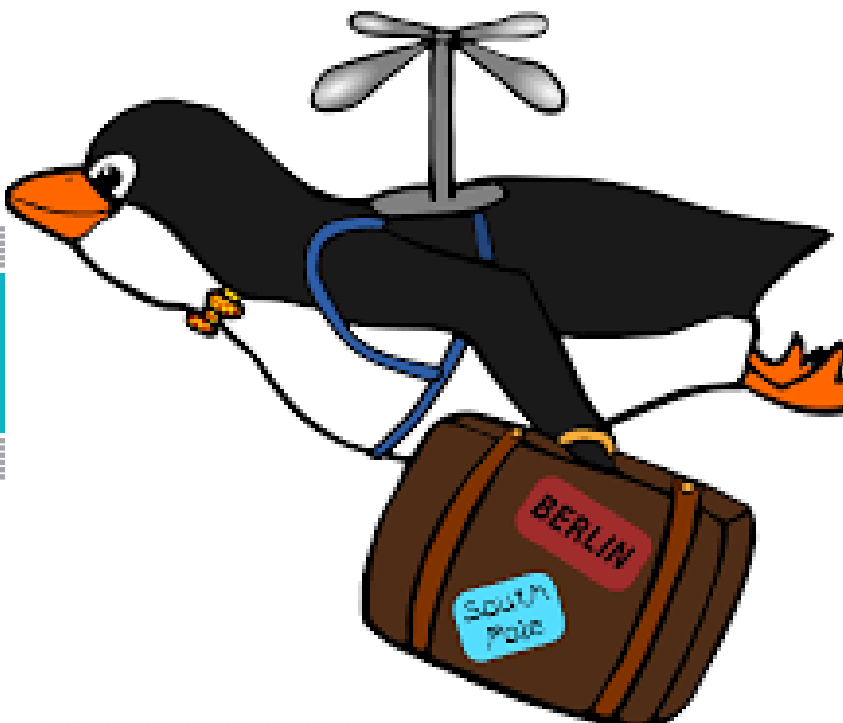
هدهد و همراهان راه سفر در پیش گرفتند تا به « وادی معرفت» رسیدند.

کلاس های کمک آموزشی. کمک به مدرسه هم به لطف و کرم اولیا بستگی دارد.

هدهد تشکر کرد و گفت: با اجازه ی شما دوری می زنیم و می رویم. لحظه ای بعد هفت دور، گرد مدرسه طواف کردند، از تراکم جمعیت در کلاس ها شگفت زده شدند. در هر کلاسی چهل تا جوجه پرنده در هم می لولیدند و جای نفس کشیدن نبود و معلم سرسام گرفته بود و خود را به در و دیوار می کوبید!

مدرسه های دیگری نیز در شمال بود که وضعیت بهتری داشتند، معلمان باتجربه در کلاس های کم جمعیت و در یک شیفت تدریس می کردند، معلوم شد که در آن منطقه طبقه ی از ما بهتران زندگی می کنند!

پرنندگان با شتاب از آن جا فاصله گرفتند تا به « وادی عشق» رسیدند. از مشاهده ی مدارس شیک و نونوار که مثل آکواریوم خودنمایی می کرد، به وجد آمدند و چاچا رقصیدند! وارد دفتر



هدهد به مرغان گفت: اگر نتیجه ی عدالت آموزشی، فرار مغزهاست، عطایش را به لقایش بخشیدیم. بچه ها را یا باید زیر بال و پر خود بگیریم و آموزش بدهیم یا در رشته ی هوانوردی دانشگاه نظامی که در این سرزمین وجود دارد، ثبت نام کنیم. در این صورت نسل ما دوام خواهد یافت.

این سرزمین وجود دارد، ثبت نام کنیم. در این صورت نسل ما دوام خواهد یافت. بعد هم قرار گذاشتند، گزارش سفر را به نزد سیمرغ ببرند و هرچه حکم او بود، اجرا کنند.

دربازگشت به گروهی از پرندگان مهاجر برخورد کردند که عازم آن سوی سرزمین گل و بلبل بودند. هدهد از سرپرست آن ها پرسید: شما چند نفر هستید؟ جواب داد: ما و ما و نصف ما و نصفه ای از نصف ما، گر تو هم با ما شوی، صد می شویم. لطفاً پیدا کنید پرتقال فروش را!

خون گریستند. آن ها تعجب کردند که چرا در این مدارس خبری از هوانوردی نیست.

مرغان جستجوگر سرانجام به « وادی فقر و غنا» رسیدند. انواع دانشگاه و آموزشگاه و مرکز آموزشی خودنمایی می کرد. تنوع رشته و تنوع استاد و تنوع دانشجو و تنوع مدرک همه را انگشت به دهان کرده بود. کسانی که فارغ التحصیل می شدند، گروه گروه مهاجرت می کردند، زیرا انتظار داشتند که جذب بازار کار نظام سرمایه داری شوند؛ قانونگذاران طرح هدایت تحصیلی در نقشه ی جامع علمی نوشته بودند: تجاری کردن دانش و فناوری، اهمیت ویژه ای در پیشرفت همه جانبه و پایدار کشور دارد. اما زیر ساخت های جذب نیرو فراهم نبود.

طوطیانی که آماده ی پرواز می شدند، آرزویشان این بود که در خارج از مرزهای سرزمین گل و بلبل شغل و کسبی پیدا کنند. هدهد و همراهان، وقتی وضع را بدین منوال دیدند، به شور و مشورت نشستند. هدهد به مرغان گفت: اگر نتیجه ی عدالت آموزشی، فرار مغزهاست، عطایش را به لقایش بخشیدیم. بچه ها را یا باید زیر بال و پر خود بگیریم و آموزش بدهیم یا در رشته ی هوانوردی دانشگاه نظامی که در

در عوض از مزایای مشتری مداری مدرسه کیفور می شد. مدرسه ی هوانوردی در این وادی نیز وجود نداشت.

پرندگان به راه خود ادامه دادند تا به «وادی توحید» رسیدند. مدارسی که در این سرزمین بود، به کسانی تعلق داشت که برای اعتلای کلمه ی توحید، جان خود را فدا کرده بودند یا عمر خود را در راه تعالی فرهنگ جامعه، بخشیده بودند و در عوض فرزندان شان از امکانات بهتری بهره مند می شدند.

نمونه دولتی به فرزندان فرهنگی توجه ویژه می کرد. مدارس شاهد هوای فرزندان شهید و جانباز را داشت. مدارس ایثارگران به رزمندگان خدمت می کرد، اما در هیچ یک رشته ای به نام هوانوردی وجود نداشت.

هدهد و رفقا خسته و کوفته به « وادی حیرت» رسیدند. در پهنشدت سرسبز آن سرزمین کسانی زندگی می کردند که در یک جا آرام و قرار نداشتند و از نقطه ای به نقطه ی دیگر بیلاق و قشلاق می کردند. معلمی را دیدند که بدون هیچ گونه امکاناتی،

هدهد و هیأت همراه به دفتر مدیر وارد شدند و خواسته ی خود را مطرح کردند. مدیر گفت: چنین رشته ای وجود ندارد، اما این امکان هست که تقاضا به شورای عالی سمپاد ارسال شود. چیزی که هست، فقط به درد امسال نمی خورد! چون تصویب این طرح بستگی به توان مالی وزارت آموزش و پرورش دارد.

خواندن و نوشتن را در حال توقف ایل به کودکان می آموخت.

تحصیلات متوسطه در مدارس شبانه روزی صورت می گرفت. هدهد و همراهان از نوجوانانی که در چهارصد مدرسه ی شبانه روزی دولتی به خاطر دوری از خانواده افسردگی گرفته بودند،

در تنها آموزشگاه استعدادهای درخشان منطقه فرود آمدند. دانش آموزان تیز هوش در کارگاه های متنوع با امکانات فراوان و تحت تعلیم زبده ترین معلمان مشغول آموزش و یادگیری بودند.

هدهد و هیأت همراه به دفتر مدیر وارد شدند و خواسته ی خود را مطرح کردند. مدیر گفت: چنین رشته ای وجود ندارد، اما این امکان هست که تقاضا به شورای عالی سمپاد ارسال شود. چیزی که هست، فقط به درد امسال نمی خورد! چون تصویب این طرح بستگی به توان مالی وزارت آموزش و پرورش دارد.

هدهد سؤال کرد: شرایط آموزشگاه شما برای پذیرش چیست؟ مدیر پاسخ داد: فقط آزمون ورودی با معدل بالا! هدهد پرسید: یعنی ابزار دیگری برای تشخیص بچه های تیزهوش وجود ندارد؟ مدیر گفت: خیر! هدهد گفت: به این ترتیب همه ی بچه ها تیزهوش هستند، زیرا هرکس کمی به حافظه ی خود فشار بیاورد، در آزمون قبول می شود. در این جا هم که شما هرچه بتوانید از دانش آموز کار می کشید؛ پس کم استعداد ترین بچه ها هم می توانند با تلاش بیشتر تیزهوش بشوند. مدیر مدرسه این سخن را پذیرفت. همه تشکر کردند و به پرواز درآمدند.

«وادی استغنا» سرزمینی است که سالکان طریق رشد و کمال، خود را از همه ی علایق دنیایی آزاد می کنند. هدهد و و همراهان به این سرزمین رسیدند و آموزشگاه هایی را دیدند که قید و بند سختی نداشت. از جمله «آموزش از راه دور» بود که به آن آموزش زیر کرسی گفته می شد.

دانش آموزان این آموزشگاه بی نیاز از معلم بودند، کتاب ها را طوطی وار می خواندند و مدرک تحصیلی می گرفتند. یکی دیگر «آموزشگاه هیأت امنایی» بود که با مشارکت معلمان اداره می شد و دانش آموز شهریه می پرداخت،

زینب شعبانی

دانشجوی فعال اجتماعی از دختران تربیت مدرس می گوید



بنده زینب شعبانی دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس هستم. من فعالیت هایم را از سال های کارشناسی در حوزه های مختلف شروع کردم و باتوجه به این که مربی قرآن بودم در دانشگاه بیشتر در حوزه های قرآنی شامل تدریس و تفسیر قرآن فعالیت می کردم. و چون در تشکیلات بودم فعالیت های دیگری که ذیل تشکیلات تعریف شده بود را نیز انجام می دادم. به واسطه ی رشته تخصصی خود و تشویق یکی از اساتید و همچنین با توجه به علاقه به نویسندگی از سال ۹۱ در حوزه نویسندگی کتاب های شهدا وارد شدم.

الان ۵ کتاب چاپ شده در حوزه ی شهدا دارم و دوتا در دست چاپ است. در حال حاضر هم در حال نوشتن کتاب جدیدی هستم. هم چنین در بخش هایی از چند کتاب همکاری داشته ام. بیشتر در موضوعات خاطرات همسران شهدا و به خصوص شهدای مدافع حرم با همکاری تیمی از همدان فعالیت دارم. به واسطه ی رشته خود موفق شدم انجمن ایرانی مطالعات زنان را در استان همدان تاسیس کنم.

انجمن مطالعات زنان یک انجمن علمی است که مجوز آن را وزارت علوم صادر می کند. کاملاً فعالیت های علمی دارد و هیچ نوع سوگیری سیاسی ندارد و سعی می کند مسایل زنان را به صورت علمی در حوزه های مختلف بررسی کند.

فعالیت هایی شامل برگزاری کارگاه ها، نشست ها و اجرای طرح های پژوهشی را برعهده داریم. این انجمن غیرانتفاعی است و با هدف توانمندسازی زنان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی فعالیت می کند. هدف ما از برگزاری کارگاه ها و نشست ها این است که

صورتی که اگر از آن قوانین اطلاع داشته باشند کمتر آسیب می بینند و حتی شاید کار زوج به طلاق هم نکشد و از طریق مشاوره های حقوقی مشکلات زوج را حل کنیم. هرچند کار ما مشاوره دادن نیست اما کارگاه ها می تواند آگاه سازی هایی را ایجاد کند. کما این که ما در صورت مراجعه فرد اطلاعات فردی را هم میتوانیم در اختیارشان قرار دهیم.

شعبه اصلی انجمن مطالعات زنان در تهران است ولی در چندتا از شهرها توانستیم برای آن شعبه بزینم مثل کرمان، گسلان، بوشهر، قم و همدان و فعالیت های ما در واقع زیر نظر انجمن تهران صورت می گیرد. هرچند اختیار عمل در انجام بومی سازی فعالیت ها باتوجه به نیازهای استان فعالیت خود را داریم.

به نظر شما چه مهارت هایی برای یک جوان با توجه به شرایط فعلی لازم است تا بتواند کیفیت زندگی آینده خود را بهبود دهد؟ با توجه به این که ما ضعف های نظام آموزشی خود را می دانیم. به گونه ای که در هر رشته ای که وارد می شویم صرفاً در همان رشته

به وجود می آید و گاهی مجبور به اقداماتی می شوند که در حالت عادی اگر مشکل مالی نداشتند آن اتفاق ها نمی افتاد. و مشکلاتی که در دوره طلاق و بعد از آن برای فرزندان به وجود می آید مثل فشارهای روحی، بی توجهی و گاهی گریز فرزندان و این که دوست ندارند در کنار هیچ کدام از والدین بمانند.

این ها مباحثی است که ما می خواهیم روی آن ها کار کنیم. هم چنین مسایل حقوقی که خیلی از خانم ها از آن بی اطلاع هستند و به همین دلیل خیلی ها درگیر راهروهای دادگاه ها می شوند در

هم چنین مسایل حقوقی که خیلی از خانم ها از آن بی اطلاع هستند و به همین دلیل خیلی ها درگیر راهروهای دادگاه ها می شوند در صورتی که اگر از آن قوانین اطلاع داشته باشند کمتر آسیب می بینند و حتی شاید کار زوج به طلاق هم نکشد و از طریق مشاوره های حقوقی مشکلات زوج را حل کنیم.

موضوعات زنان را که مبتلا به هستند بولد کنیم و اگر جایی بتوانیم فعالیت های عملی انجام دهیم.

به عنوان مثال یکی از موضوعاتی که این روزها خیلی موردنیاز است و باید بیشتر روی آن کار شود بحث اقتصاد زنان بدون سرپرست یا بدسرپرست می باشد که خود آسیب های بسیار زیادی را به دنبال می آورد. و نیاز است که نه دولت چون دولت ممکن است دیگر فرصت یا توان این کار را نداشته باشد، بلکه خود ما اقدامی انجام دهیم.

بحث دیگر موضوع آسیب های بعد از طلاق است. با توجه به این که طلاق آسیب بزرگی در حوزه خانواده های ماست و آمار آن و فرزندان طلاق به شدت در حال بالا رفتن است نیاز است که در این زمینه اقداماتی انجام شود تا بعد از طلاق آسیب های کمتری متوجه خانم ها و کودکانشان شود.

نیاز است این مادران برای نحوه پذیرش طلاق و چگونگی نحوه کنار آمدن با این مساله آموزش ببینند با توجه به آسیب های روحی بعد از طلاق و هم چنین با توجه به مشکلات اقتصادی که برای آن ها

است که در دانشگاه فعالیت خاصی در این زمینه انجام نمی‌گیرد؛ که بهتر است در این زمینه فعالیت‌هایی صورت بگیرد. البته شنیده ایم که هیات دانشگاه در مراحل راه اندازی کارگروه ازدواج جهت آموزش مهارت‌ها است.

چون بعد از مهارت همسرایی مهم‌تر از آن، بحث مهارت زندگی مشترک داشتن است. این که چگونه شروع کنند تا بتوانند در کنار درس، زندگی مشترک خود را هم اداره کنند. تا مجبور نشوند تا پایان تحصیل به ازدواج فکر نکنند تا مغایرتی با درس‌هایشان پیدا نکند. یا این که نتوانند همزمان سرکار هم بروند.

اگر خانمی مهارت داشته باشد با توجه به پتانسیل‌های جسمی که خداوند برای او قرار داده است می‌تواند همزمان ۶ کار را با هم انجام دهد و این خللی در کار او ایجاد نمی‌کند.

اما این موضوع درباره آقایان صدق نمی‌کند. اما خانم‌ها می‌توانند همزمان هم درس بخوانند، هم آشپزی کنند، هم بچه‌داری و همسرمداری داشته باشند به شرطی که مهارت‌های لازم را آموزش ببینند اما ما در سیستم آموزشی مان این مهارت‌ها آموزش داده نمی‌شود.

از این رو می‌توانیم در شکل‌ها در حوزه دختران در این موارد فعالیت داشته باشیم.

من پیشنهاد می‌کنم شکل‌هایی که در دانشگاه هستند تعامل بیشتری با هم داشته باشند و اگر در زمینه‌های مختلف اعضای یکدیگر را مشارکت دهند و برنامه‌های یکدیگر را حمایت کنند خیلی موفق‌تر خواهند بود. چون همه‌ی ما یک هدف داریم و هرکسی از نگاه خودش دارد به این هدف نگاه می‌کند؛ اما همه دنبال پیشرفت خود و پیشرفت جامعه مان هستیم. شاید هدف‌ها مصداق‌هایشان متفاوت باشد اما خود هدف یکی است. پس داشتن تعامل باعث می‌شود فضای آرام‌تر و بانشاط‌تری در دانشگاه داشته باشیم و موفق‌تر شویم.

فضای تربیت مدرس فضای بانشاطی نیست دانشجویان با ورود به آن، به نحوی در آن حل می‌شود. انگار همه پذیرفتند که باید فقط درس بخوانند، روزها را در آزمایشگاه بگذرانند و کارهای روتین خود را انجام دهند که این باعث مقداری افسردگی در بین دختران به طور خاص شده است چون پسرها با توجه به این که خوابگاه‌شان بیرون از دانشگاه است و رفت و آمد بیرون از دانشگاه دارند باز متفاوت است.

اما دانشجویهای خوابگاه‌های داخلی دانشگاه بیشتر در بین فضای کلاس و خوابگاه رفت و آمد دارند و حتی فضای دیدن خیابان و مغازه‌ها که برای خانم‌ها نشاط آور هست را

وقتی وارد تحصیلات تکمیلی می‌شویم به خصوص فضایی مثل تربیت مدرس که صرفاً تحصیلات تکمیلی است و فعالیت‌های فرهنگی و جانبی خیلی کمی انجام می‌شود می‌توان گفت فضای راکدی بر آن حاکم است.

از این رو افرادی که صرفاً برنامه‌ی درس خواندن داشته باشند به خصوص دانشجویهای خوابگاهی بعد از مدتی خیلی اذیت می‌شوند. این گونه است که توصیه می‌شود در کنار فعالیت‌های جانبی نیز بپردازند.

هم ندارند و معمولاً زیاد بیرون نمی‌روند که به صورت گروهی زمان‌هایی را در بیرون از دانشگاه به خود و حال روحی خود اختصاص دهند.

از این رو فضای غالب بر دختران ما فضای نشاط‌آوری نیست که ما می‌بینیم باشگاه‌رایگان است اما دانشجویها آن گونه که باید از آن استفاده نمی‌کنند. اما همه به لحاظ درسی موفق‌اند و جزو نخبگان جامعه بوده‌اند که توانستند به این دانشگاه راه پیدا کنند.

بحثی که در حوزه مطالعات می‌شود از این دید به آن نگاه کرد موضوع ازدواج دختران و آموزش مهارت‌های خانه‌داری و زندگی مشترک

فرصت دانشگاه فرصت خوبی برای تجربه کار گروهی و افزایش مهارت‌های گروهی است. مثلاً ممکن است ما از بچگی به نقاشی علاقه داشته باشیم ولی هیچ وقت به دنبال آن نرفته باشیم. در این جا زمینه‌ها و فرصت‌هایی است تا در اوقات فراغت به سراغشان برویم مثلاً وارد هیات شویم و نقاشی‌های مربوط به آن را برعهده بگیریم. همین‌ها باعث ایجاد شور و نشاط نیز در دانشجویها می‌شود ضمن این که وقتی وارد تحصیلات تکمیلی می‌شویم به خصوص فضایی مثل تربیت مدرس که صرفاً تحصیلات تکمیلی است و فعالیت‌های فرهنگی و جانبی خیلی کمی انجام می‌شود می‌توان گفت فضای راکدی بر آن حاکم است.

از این رو افرادی که صرفاً برنامه‌ی درس خواندن داشته باشند به خصوص دانشجویهای خوابگاهی بعد از مدتی خیلی اذیت می‌شوند. این گونه است که توصیه می‌شود در کنار فعالیت‌های درسی به فعالیت‌های جانبی نیز بپردازند.

مثلاً از فضای باشگاه، اردوهای تفریحی، کلاس‌های مهارتی و فضای فعالیت‌های تشکیلاتی استفاده کنند.

من خودم در ترم‌های اول و دوم و با توجه به ترسی که ما بچه‌های دکترا از آزمون جامع و سنگینی درس‌ها داریم، سعی می‌کردم در هیچ فعالیتی شرکت نکنم اما پس از مدتی متوجه شدم به همان میزانی که در زمان فعالیت‌های جانبی برای درس زمان می‌گذارم در زمان‌های دیگر نیز همان میزان صرف درس می‌شود. یعنی ما فعالیت‌های جانبی مان را از اوقات اصلی مان زمان نمی‌گذاریم بلکه از زمان‌های پرت صرف آن می‌کنیم که آسیبی به درس ما نمی‌زند و اتفاقاً با توجه به این که فعالیت‌های داریم که باید به آن برسیم سعی می‌کنیم درس‌هایمان را با شور و نشاط بیشتری انجام دهیم تا به سایر کارها هم بتوانیم برسیم.

شما به عنوان فعال حوزه مطالعات زنان، وضعیت نشاط دختران تربیت مدرس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
همان گونه که در قبل گفتم چون

مقداری تخصص به دست می‌آوریم، آن هم به شرطی که خوب به ما آموزش داده شود اما مهارت‌هایی هست که می‌توانیم در فعالیت‌های جمعی یاد بگیریم نه صرفاً یک شکل خاص. چون در دانشگاه‌ها شکل‌های مختلفی داریم مثل انجمن‌های اسلامی، جامعه اسلامی، بسیج، هیات، موبک و حتی نهاد رهبری. این‌ها زمینه‌هایی هستند تا دانشجویها دور هم جمع شوند و یک سری از مهارت‌ها را یاد بگیرند. مثل بازی‌هایی که برای کودکان تعریف می‌کنیم تا مهارت‌های نوع آداب معاشرت، اعتماد به نفس و تعامل با یکدیگر را یاد بگیرند.

ما در فعالیت‌های جمعی تشکیلی هم

با توجه به این که ما ضعف‌های نظام آموزشی خود را می‌دانیم. به گونه‌ای که در هر رشته‌ای که وارد می‌شویم صرفاً در همان رشته مقداری تخصص به دست می‌آوریم، آن هم به شرطی که خوب به ما آموزش داده شود اما مهارت‌هایی هست که می‌توانیم در فعالیت‌های جمعی یاد بگیریم.

این موارد را یاد می‌گیریم. به طور مثال صبر خود را زیاد می‌کنیم، پیروی کردن از یک مسئول و سلسله مراتب را یاد می‌گیریم که این به یک سری خودسازی‌های موردنیاز ما کمک می‌کند.

کما این که وقتی فرد وارد زندگی مشترک پس از ازدواج می‌شود هم خیلی از رفتارها را نمی‌شناسد که در چه موقعیت‌هایی باید کوتاه بیاید و یا بر روی حرف خود اصرار ورزد. از آن جا که ما در شبکه‌سازی نیز ضعیف هستیم اگر بتوانیم در فعالیت‌های جمعی شبکه‌سازی انجام دهیم همان گونه که در مثل می‌گوییم یک دست صدا ندارد، اگر هر فعالیتی که مدنظر داریم را به صورت گروهی انجام دهیم موفق‌تر خواهیم بود چرا که از نیروی مشاوره و توان مالی و فکری چند نفر استفاده می‌کنیم.

از آن جا که ما در ایران در کارهای جمعی ضعیفیم اما در کارهای فردی همه افراد قوی‌ای هستیم این

بیماری دیابت



جواد بهروزی

دانشجوی دکتری زیست‌فناوری
دانشگاه تربیت مدرس

از دیابت چندان متمایز و مشهود نیست و متأسفانه در اکثر موارد در مراحل پیشرفته بیماری و پس از ابتلا به عوارض آن تشخیص داده می‌شود. علائم اولیه این بیماری می‌تواند ترکیبی از تشنگی زیاد، تکرر ادرار، اختلال در بینایی، خستگی مفرط، بی‌حسی و یا مورمور شدن انگشتان و بهبودی دیر هنگام زخم‌ها باشد.

افرادی که استعداد چاقی دارند، دارای بیمار دیابتی در خانواده درجه یک خود هستند، دارای فشار خون بالا هستند و افرادی که چربی خون بالایی دارند، در معرض ابتلا به این نوع دیابت هستند. بیماران دیابتی در معرض عوارض خطرناک این بیماری هستند که می‌تواند در طولانی مدت کیفیت زندگی آن‌ها را پایین آورده و در نهایت تهدید کننده حیات آن‌ها باشد. این عوارض شامل آسیب‌های چشمی، کلیوی، عصبی و همچنین آسیب‌های قلبی عروقی هستند.

همانطور که عنوان شد دیابت نوع دو با اصلاح سبک زندگی و رعایت برخی موارد قابل پیشگیری و کنترل است. این موارد شامل افزایش فعالیت بدنی، مصرف مقادیر مناسب فیبر، افزایش مصرف غلات کامل، کاهش وزن اضافی و کاهش مصرف غذاهای آماده و فوری می‌باشد.

کند. در دیابت غیر وابسته به انسولین یا دیابت نوع دو، بیمار انسولین تولید می‌کند اما سلول‌های بدن به انسولین پاسخ نمی‌دهند. این نوع دیابت معمولاً علل محیطی (در مقابل علل ژنتیکی) داشته و به دلیل سبک نادرست زندگی ایجاد می‌شود و در افراد بالای ۴۰ سال بروز می‌کند. دیابت دوران بارداری معمولاً بین هفته‌های ۲۴ و ۲۸ بارداری ظاهر می‌شود و در اکثر موارد پس از زایمان از بین می‌رود.

عوارض بیماری دیابت و پیشگیری از آن
مهمترین نوع دیابت، دیابت نوع دو یا دیابت بزرگسالی می‌باشد، چرا که ۹۰ درصد از بیماران دیابتی مبتلا به این نوع دیابت هستند و در اکثر موارد این نوع دیابت با اصلاح سبک زندگی قابل پیشگیری و کنترل است. علائم این نوع

بیش از ۴۰۰ میلیون دیابتی در دنیا وجود دارند که پیش‌بینی می‌شود این عدد در سال ۲۰۳۵ به بیش از ۶۴۰ میلیون نفر برسد. همچنین ۱۱ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال در کشورمان به دیابت مبتلا هستند.

انواع بیماری دیابت

بیماری دیابت به سه نوع دیابت وابسته به انسولین، دیابت غیر وابسته به انسولین و دیابت دوران بارداری تقسیم می‌شود. در دیابت وابسته به انسولین یا دیابت نوع یک، بیمار تولید انسولین ندارد و در نتیجه فقدان انسولین، کنترل قند خون غیر ممکن است. علت دقیق این نوع دیابت مشخص نشده است ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهند بخش بزرگی از این نوع دیابت علل ژنتیکی داشته و قبل از ۴۰ سالگی بروز می‌کند.

۱۴ نوامبر به عنوان روز جهانی دیابت نامگذاری شده است تا توجه بیشتری نسبت به این بیماری شایع جلب شده و سطح آگاهی افراد جامعه نسبت به آن افزایش یابد. به بهانه این روز سعی در ارائه اطلاعات خلاصه و مفیدی در مورد این بیماری داریم.

دیابت به گروهی از بیماری‌ها اطلاق می‌شود که در اثر اختلال در عملکرد

هورمون انسولین بوجود می‌آیند و ویژگی مشترک همه آن‌ها افزایش غیر طبیعی قند خون می‌باشد.

پژوهشگران در رابطه با میزان نرمال قند خون، اختلاف نظر جزئی دارند، اما به عنوان قاعده کلی سطح قند خون نرمال در یک فرد سالم در حالت ناشتا زیر ۱۱۰ میلی‌گرم در دسی‌لیتر و دو ساعت پس از صرف غذا زیر ۱۳۰ میلی‌گرم در دسی‌لیتر می‌باشد. در افراد سالم هورمون انسولین باعث کاهش میزان قند خون به محدوده نرمال می‌شود. در صورت عدم تنظیم قند خون، فرد در ابتدا به صورت پیش دیابتی و سپس به عنوان بیمار دیابتی مطرح خواهد بود.

آمارهای ارائه شده در رابطه با شیوع این بیماری نگران کننده هستند. بنابه گفته معاون دفتر مدیریت بیماری‌های غیر واگیر وزارت بهداشت، در حال حاضر



world diabetes day

تحریم علیه محیط زیست



محسن شریاتی

دانشجوی کارشناسی ارشد
برنامه‌ریزی محیط زیست

متعاقباً گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی ایفا می‌کند.

خیلی از کارخانه‌ها و صنایع و نیروگاه‌های کشور به دلیل هزینه‌های هنگفت این دودکش‌ها که نشأت گرفته از تحریم‌های اقتصادی می‌باشد یا استفاده نمی‌کنند و یا کمتر استفاده می‌شود.

کارخانه‌های سیمان، نیروگاه‌ها، صنعت آهن و فولاد نقش مهمی در تولید گازهای گلخانه‌ای دارد. متأسفانه استاندارد‌های لازم در تعبیه فیلتر دودکش این صنایع در نظر گرفته نمی‌شود و این عامل به همراه عوامل دیگر مانند تخریب جنگل‌ها، تولید نفت و گاز و ... موجب شده تا کشور ایران به یکی از کشورهای موثر در تغییرات اقلیمی تبدیل شود که عواقب ناشی از آن نه تنها کشور ایران و خاورمیانه،

بحران را فقط با باز کردن پنجره‌های خانه و یا محل کار، می‌توانیم از نزدیک لمس کنیم. اما موضوع اصلی تر این که تحریم حتی به جان مردم دنیا هم رحم نمی‌کند!

فیلتر دودکش کارخانجات و صنایع نقش اساسی در جلوگیری از انتشار آلاینده‌ها، گازهای گلخانه‌ای و

بر علیه سیاست‌های تشدید کننده بحران اقلیم صورت می‌گیرد و مردم خواستار توجه عملی به این مسئله مهم هستند. چرا که پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم مانند یک جاده یک طرفه ایست که به سقوط و انقراض نسل انسان منتهی می‌شود. در کشور ایران نیز بدون استناد به آمار و اطلاعات یا دلایل علمی، این

تحریم؛ واژه‌ای نادرست و ناعادلانه که با زندگی روزمره ما پیوند کهنه‌ای دارد. پس از انقلاب اسلامی، فشارهای سیاسی، اقتصادی و نفوذهای اجتماعی و فرهنگی دشمن هیچگاه متوقف نشده است. با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و انسانی، تاکنون نتوانسته پیروز نهایی میدان باشد. پس سعی در پی‌ریزی طرحی جدید با تداوم و درجه اطمینان بیشتر می‌کند. تحریم علیه محیط زیست به قیمت نابود شدن دنیا!! امروزه بحران تغییر اقلیم (Climate change) یکی از مهمترین معضلات محیط زیست دنیا به شمار می‌رود. در کشورهای مختلف دنیا اعتراضاتی



خودنویس



این متن فهم من از تجربیات عینی و ذهنی خودم است. منظورم از تجربیات عینی، تجربیات حاصل از رفتارهایی است که انجام دادم. تجربیات ذهنی هم اشاره به مطالعاتم دارد که لزوماً برای دیگران صادق نیست.

افراد معمولاً به یکی از دو شکل زیر مطالعه می‌کنند:

بعضی‌ها تمایل دارند وقتی کتابی را دست می‌گیرند تا آخر تمامش کنند و سپس کتاب بعدی رو آغاز کنند یا روی یک موضوع خاص، مثلاً عدالت، مطالعه کنند و تمام جنبه‌ها، ابعاد و دیدگاه‌های مکاتب مختلف را نسبت به آن بررسی کنند و حتی چکیده یا جزوه کوچکی را از مطالبی که درک کرده‌اند، تهیه کنند و سپس سراغ موضوع بعدی بروند؛ اما عده دیگری هستند که تمایل دارند در یک زمان چند کتاب یا چند موضوع مطالعاتی را باهم پیش ببرند.

هر کدام از دو روش بالا مزیت‌های خاص خودش را دارد؛ مثلاً در روش اول، ذهن به یک کتابخانه طبقه‌بندی شده و منظم تبدیل می‌شود. در این کتابخانه نورونی، هر کتاب دقیقاً در جایی که باید باشد، قرار گرفته است. کتاب‌های اقتصادی کنار هم، کتب مذهبی کنار هم، کتب اجتماعی یا حقوقی پهلوی همدیگر و همینطور کتاب‌های مرتبط در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. در این حالت فرد زحمت زیادی برای به‌یادآوری یک موضوع متحمل نخواهد شد؛ درست مثل زمانی که از متصدی کتابخانه تقاضای یک کتاب دارید و او خیلی سریع کتاب را تحویل می‌دهد؛ چرا؟ چون دقیقاً می‌داند کتاب شما کجا و در کدام قفسه نگهداری می‌شود. ذهن هم در این حالت خیلی سریع به داده‌های مورد نیازش دسترسی پیدا می‌کند و مطالب را در سریع‌ترین زمان ممکن به‌یاد می‌آورد. در این حالت می‌گوییم فرد آمادگی ذهنی بالایی دارد.

اما تجربه به من نشون داده است افرادی که از روش دوم، یعنی روش مطالعه نامنظم استفاده می‌کنند، انسان‌های بسیار خلاق‌تری هستند. ویژگی این افراد این است که زمانی مطالب را پیدا می‌کنند که در ظاهر نیازی به آنها ندارند؛ مثلاً وسط امتحان اقتصاد کلان، ناگهان یک نظریه از مبانی جامعه‌شناسی ذهنش را اشغال می‌کند که از قضا آن نظریه جامعه‌شناسی کاملاً به اقتصاد کلان مربوط است یا حداقل می‌توان میان آن نظریه و نظریات اقتصاد کلان

ارتباط برقرار کرد و مفهومی نو یا نظریه‌ای جدید خلق کرد. البته شاید فرد نتواند در اینجا نمره خوبی بگیرد، ولی به یک ایده ناب دست پیدا کرده است. اگر در منزل یک کتابخانه نامنظم و به‌هم‌ریخته داشته باشید، حتماً این تجربه را دارید که وقتی دنبال کتابی خاص هستید، ناگهان به چندین کتاب دیگر برخورد می‌کنید که شاید مدت‌ها قبل دنبال‌شان بودید، ولی آن‌ها را پیدا نمی‌کردید. یک تجربه نزدیک به این حالت، وقتی در کتابخانه نامنظم ذهن ما رخ بدهد، می‌تواند اتفاقات خیلی بزرگی را رقم بزند.

من اگر بخواهم تیم‌های پژوهشی تشکیل بدهم، حتماً تلاش خواهم کرد تا افراد تیمم از دو نوع مختلف ذهنی که بالا درموردشان صحبت کردیم، باشند. ترکیب چنین افرادی می‌تواند اتفاقات بزرگی را رقم بزند. ترکیب افرادی با خلاقیت‌های غیرمنتظره‌شان و افرادی که می‌توانند آن خلاقیت‌ها را روی زمین آورده و عملیاتی کنند.

آیا می‌دانستید که ترکیب یک زوج با دو ذهن دارای کتابخانه منظم و نامنظم بود که اقتصاد رفتاری رو خلق کرد؟

اما در عوض ابزار سلامت جسم و روان را از مردم سلب می‌کنند؟ مردم ایران در طول تاریخ همواره طعمه‌ی سیاستمداران خودخواه و ظالم دنیا بوده و از هر سو به فرهنگ، دین و عقایدشان حمله کرده‌اند، حالا هم نوبت به محیط زیست رسیده و از طریق فشارهای زیست محیطی که بالطبع جهان را به چالش خواهد کشید می‌خواهند به اهداف خود برسند. بهتر است بدانید که سرمایه‌گذار اصلی پروژه سد ایلیسو ترکیه رژیم صهیونیستی است و بانک جهانی به دلیل مشکلاتی که این پروژه برای منطقه ایجاد می‌کند، سرمایه‌گذاری نکرده است. با بهره برداری از این سد تقریباً کل ایران و عراق درگیر ریزگرد خواهد شد. قطعاً دشمن بیکار نخواهد شد و برای رسیدن به هدف خود تمام تلاشش را می‌کند. حال در این میان وظیفه ما چیست؟؟



ایران را تشدید خواهند کرد. اما چرا مسائلی که مربوط به سلامتی مردم دنیا می‌باشد باید تحت شعاع عوامل سیاسی قرار بگیرد؟ این چه نوع سیاستی است که نه تنها به سلامت مردم کشور ایران رحم نمی‌کند بلکه حقوق مردم دنیا را نیز پایمال می‌کند؟ این چه نوع سیاستی است که در آن ابزار و آلات فساد و فحشا را با هزینه‌های هنگفت، به صورت رایگان در اختیار مردم ایران قرار می‌دهند،

بلکه کل دنیا را متاثر خواهد کرد. چرا که مسئله محیط زیست یک مسئله فراملیتی است و عواقب ناشی از دخالت در آن به خصوص در زمینه آلودگی هوا، دامن گیر کل دنیا خواهد شد.

این تنها یک مورد از تحریم‌هایی است که علیه محیط زیست ایران انجام شده است. قطعاً این روند متوقف نخواهد شد و از راه‌های مختلف بحران محیط زیست کشور

آموزش کار آفرینی، اهمیت و ضرورت آن در دانشگاه



توحید شیرعلیپور

کارمند آموزش کار آفرینی
دانشگاه تربیت مدرس

با شناسایی فرصت ها در جهت فراهم کردن مشاغل تازه گام بردارند. به طور کلی آنچه را که می توان در برنامه های تربیتی کار آفرینی آموزش داد، دارای حد و مرز خاصی است و تنها راه یادگیری استفاده از تجربیات شخصی است. در آموزش کار آفرینی دو دیدگاه مطرح می باشد. دیدگاه نخست در تبیین مفهوم کار آفرینی به بعد وسیع آموزشی کار آفرینی توجه داشته و به دامنه گسترده ای از شایستگی ها و توانمندی ها جهت یادگیری کار آفرینانه، تاکید دارد. دیدگاه دوم از مفهوم آموزش کار آفرینی محدودتر است، به طوری که تنها بر ویژگی ها و مهارت هایی تاکید دارد که افراد برای راه اندازی و توسعه یک کسب و کار نیاز دارند. تفاوت اید دو دیدگاه ریشه در تفاوت میان مفهوم کار آفرینی و مفهوم مدیریت کسب و کار دارد. بنابراین توجه به تفاوت میان آموزش کار آفرینی و آموزش کسب و کار در طراحی برنامه های آموزش کار آفرینی ضروری است. در کار آفرینی ویژگی هایی نظری خلاقیت، نوآوری و ریسک پذیری وجود دارد که متفاوت از مدیریت کسب و کار می باشد. مدیریت کسب و کار، تمرکز بر چگونگی مدیریت کسب و کار راه اندازی شده دارد. در حالی که کار آفرینی فرآیندی است که از مرحله قبل از راه اندازی شروع گردیده و سپس مراحل راه اندازی، رشد و توسعه کسب و کار را نیز مورد توجه قرار می دهد.

رسد که قسمت علمی آن شامل تجارت و مهارت های کاربردی مدیریت است، با استفاده از روشهای آموزشی متعارف قابل آموزش می باشد. در حالی که به نظر نمی رسد قسمت هنری آن که با خلاقیت و نوآوری در کار آفرینی ارتباط دارد صرفاً از طریق روشهای متعارف قابل آموزش باشد. در عوض این جنبه از کار آفرینی نوعی حالت القا کنندگی دارد که با استنباط عقلانی مدیریت منابع در تضاد است. نتایج بسیاری از



پژوهش ها در تایید این نظر نشان می دهد که اکثر خصوصیات، توانایی های کار آفرینی می توانند آموزش داده شوند. تجربه های کشورهای مختلف نظیر هند، کره جنوبی، ژاپن، مالزی و غیره در زمینه آموزش و ترویج روحیه و فعالیت کار آفرینی موید این نظریه است که کار آفرینی قابل آموزش است و می توان روحیه کار آفرینی را از دوران کودکی و در همه سنین بین افراد جامعه ترویج نمود. بنابراین، برنامه های آموزش کار آفرینی تلاش می کنند تا دانش آموختگانی را به جامعه معرفی کنند که خلاقانه

می تواند منجر به بهبود و توسعه نگرش ها، مهارت ها و توانایی های افراد غیر کار آفرین شود. آموزش کار آفرینی به ایجاد و افزایش شغل کمک می کند، رقابت پذیری را افزایش می دهد، توانایی های بالقوه را به بالفعل تبدیل نموده و موجب برقراری ارتباط، تحرک یادگیری به سوی مدیریت مشاغل می گردد. آموزش کار آفرینی به شکل قابل توجهی در بهبود نگرش کار آفرینانه افراد و در نتیجه افزایش احتمال کار آفرین

شدن آنها موثر می باشد. آموزش های کار آفرینی زمانی از اثربخشی و کارایی لازم برای پرورش افراد کار آفرین برخوردار خواهند بود که بتوانند به شیوه مناسبی به نیازهای آموزشی افراد در زمینه های مختلف و مرتبط با کار آفرینی پاسخ دهند. یکی از مسائلی که تاکنون توافق عمومی در مورد آن در بین صاحب نظران کار آفرینی وجود نداشته است قابلیت آموزش آن می باشد. به اعتقاد برخی صاحب نظران، آموزش کار آفرینی بخشی از یک معماست، چرا که فرآیند های کار آفرینی واقعی خود از دو بخش هنر و علم تشکیل شده اند. به نظر می

امروزه جامعه نیاز به افرادی با مهارت های کار آفرینانه دارد. زیرا کار آفرینی و رفتار کار آفرینانه برای افراد به عنوان یک شایستگی بسیار ضروری و یک سازه رقابتی فردی در زندگی آینده در نظر گرفته شده است که آنها را قادر می سازد با چالش های زندگی جهان امروز

کنار بیابند. مضاف بر این، اشخاص، فارغ از گزینه شغل یا وضعیت شخصی، بایستی قادر به بهره مندی از فراگیر رهیافت نوآورانه برای حل مساله، سازگاری سریع تر با تغییرات، خود اتکایی بیشتر و توسعه خلاقیت خود از طریق کار آفرینی باشند.

آموزش کار آفرینی در دانشگاه ها می تواند نقش بسیار عمده ای در پیشرفت رشد اقتصادی و ایجاد شغل داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع، دوره های آموزش کار آفرینی نه تنها در بستر دروس دانشگاهی و رشته های مختلف بلکه در دوره های مختلف تحصیلی مورد توجه قرار گرفته است. آموزش کار آفرینی فرآیند نظام مند، آگاهانه و هدف گراست که طی آن افراد غیر کار آفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت شده و بهبود و توسعه نگرش ها، مهارت ها و توانایی های خود می پردازد. در واقع این نوع آموزش فعالیتی به شمار می رود که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه اندازی و اداره کسب و کار استفاده شده است و

آباد کردن روستاها، راه برون رفت از مشکلات اقتصادی



خلیل سمنگانی

کارمند امور فرهنگی
دانشگاه تربیت مدرس

هوای سالم، عدم تحرک و تفریح مناسب و ورزش در بین افراد، ایجاد شغل های کاذب و کلاهبرداری های فراوان در سطح کلان شهرها و نیز واردات بی حد و اندازه کالاهایی که از داخل تهیه می شود دامن گیر جامعه شده و موج مشکلات اقتصادی را در جامعه بوجود آورده است. پس بنابر این لازم است بار دیگر همانند زمان جنگ تحمیلی همه مسئولین و مردم بسیج شوند و جهاد اقتصادی و رونق کسب و کار در روستاها را راه اندازی کنند تا به حول و قوه الهی بتوانیم روی پای خود بایستیم که تا کنون هم با وجود مشکلات فراوان ایستاده ایم و کشور عزیزمان ایران را در جنگ اقتصادی سربلند نماییم.

امکانات درمانی، بهداشتی و آموزشی و رسیدگی نکردن بعضی از مسئولین، روستاها با مشکلات اساسی روبرو شدند و این مسائل موجب مهاجرت روستائیان به شهرها به خصوص پایتخت کشور و شهرهای بزرگ تر شد. این مهاجرت بی حد و اندازه باعث شده که خیلی از مشکلات در شهرهای بزرگ که در حال حاضر گریبان گیر آن هستیم رواج پیدا کند و روز به روز هم به این مشکلات افزوده شود که برخی از این مشکلات عبارتند از: موج بیکاری، اعتیاد، سرقت، آسیب های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، آلودگی هوا، ترافیک، زیاد شدن بیماریهایی که عامل آن استرس زیاد، نبود

های صنعتی و تولیدی را در نقطه ای مثل تهران یا شهرهای بزرگتر جمع کردیم روز به روز مشکلات اقتصادی در سطح کشور بیشتر و بیشتر شد و موج نارضایتی و بی عدالتی را در سطح کشور گسترش دادیم. با این کار روستاها را خالی از سکنه کردیم و روستا نشین ها به دلیل نداشتن آب شرب مناسب، نبود جاده مناسب، کمبود



راه نجات و برون رفت از مشکلات اقتصادی آباد کردن روستاهاست. جا دارد پس از چهل سال تلاش و کوشش برای رشد و شکوفایی کشور عزیزمان ایران اسلامی، دوباره به روستاها سلام دهیم و با برنامه ریزی و کار کارشناسی روستاها را از نو آباد کنیم. از آنجایی که خیلی از مواد اولیه مصرفی در سطح کشور و نیز صادرات به خارج از کشور از روستاها تأمین می شود بار دیگر باید دست به دست هم دهیم و یک جهاد اقتصادی را راه اندازی کنیم و کسب و کار را در روستاها رونق دهیم. شاید بتوان گفت از زمانی که شهرها را آباد کردیم و تمام امکانات و شرکت



رد خون بر دستان جلادان



مهدویان، فیلم ساز جوانی است که طی سال های گذشته با ارائه آثاری متفاوت، خیلی زود به چهره ای شناخته شده در میان اهالی هنر و سینما تبدیل شد. پس از تجربه های موفق لاتاری و ماجرای نیمروز، جدیدترین اثرش با نام ماجرای نیمروز ۲ یا رد خون، بر روی پرده نقره ای سینما بازگشته است. در این فیلم، مهدویان یک بار دیگر، داستان اش را از لابه لای بخش دیگری از تاریخ مغفول مانده فعالیت های تروریستی گروهک منافقین بیرون آورده و آن را با رنگی دراماتیک به تصویر کشیده است.

داستان ردخون در روزهای پایانی دفاع مقدس روایت می شود، زمانی که قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ پذیرفته شد لکن به فاصله چند روز از پذیرش قطعنامه، گروهک منافقین با پشتیبانی ارتش عراق، از مرز غربی وارد کشور می شود و هر جا قدم می گذارد، صفحاتی تاریک از جنایت علیه هموطنان خود بر جای می گذارد.

بازیگران قسمت اول ماجرای نیمروز به همراه چهره های جدیدی در این فیلم حضور دارند، اما آنطور که فیلم نشان می دهد، آن وحدت کلمه ای که در ابتدای انقلاب و روزهای مقابله با ترورهای منافقین در کشور وجود داشت، در سال های پایانی شکل دیگری پیدا کرده است. همچنین در این فیلم می بینیم سازمان منافقین با سازمان رزم مبتنی بر سلاح های سنگین و جنگ افزارهای اهدایی رژیم بعث عراق سامان یافته و با یونیفرم های متحد الشکلی ظاهر می شوند و به هوای فتح تهران با ستونی از خودروهای نظامی راهی ایران می شوند و البته در اولین برخورد جدی با مقاومت نیروهای مدافع، از هم می پاشند و هر یک با ترفندی سعی می کند تا جان خویش را از مهلکه نجات دهد.

بخش برجسته تر فیلم به رابطه زن و شوهری بازمی گردد که یکی عضو منافقین شده و دیگری به عنوان عنصری امنیتی فعالیت دارد. زن که زندگی خود را باخته می بیند سعی می کند تا با استفاده از فرصت پیش آمده، خود را به تهران برساند و

که اگر چنین بود، جنایات منافقین را با عاشقانه پردازی به حاشیه نمی برد. با این حال رد خون فیلم مهمی است و با دست گذاشتن بر موضوعی که تا پیش از این در سینما توجهی به آن نشده بود، به نوعی بر سد شکنی در این حوزه ادامه داده است. اهمیت این فیلم بویژه در این روزها که منافقین خود را با شعارهای دمکراسی و حقوق بشر معرفی می کنند و متأسفانه غفلت چند ده ساله هنر و قاب تصویر نسبت به موضوع، باعث ناآشنایی نسل جدید از محنت

فرزندش را ببیند و در سوی دیگر، شوهرش قرار دارد که می داند زنان عضو گروهک ازدواج های تشکیلاتی کرده اند و حالا هم که در دامن دشمن، ننگ خیانت مسلحانه و جنگ علیه هم کیشان و هم وطنان بر پیشانی شان خورده است. جستجو برای یافتن زن از سوی شوهر و برادر او (که وی هم عضو دستگاه امنیتی است) از صحنه درگیری در تنگه چهارزبر شروع می شود و در تهران و جلوی ساختمان های شهرک اکباتان با دستگیری زن پایان می یابد. فیلمساز سعی دارد مخاطب را درگیر ملودرام مبتنی بر روابط انسانی بین زن منافق و مرد امنیتی نماید و آنها را از قالب های گفته شده خارج کند و نقش های مادرانه، شوهر و همسر، خواهر و برادری را سوار بر متن کرده و تحلیل مخاطب را جهت دهد.

مهدویان سکانس های تاریخی حمله منافقین به بیمارستان، شهید نمودن مجروحین و تیرباران اسرا را بازسازی کرده است. صحنه هایی از جنازه های آویزان از درخت های شهر، ارجاعات دیگری است که نتیجه توجه وی به اسناد به جا مانده از عملیات منافقین در مرصاد است.

بایستی اشاره کرد که رد خون فیلمی تاریخی نیست و برخلاف صحنه پردازی های دقیق، روایت متعهدانه ای به اصل ماجرا ندارد چرا

